



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

فتاویٰ تفرقه انگیز

وہابیوں ہمسو

با خشم آمریکا و اسرائیل

از تقریب بین مسلمانان

عبدالکریم بن ازار شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتاوی تفرقه انگیز وهابیان همسو با خشم آمریکا و اسرائیل از تقریب بین مسلمانان

نویسنده:

عبد الکریم بی آزار شیرازی

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	فتاوی تفرقه انگیز وهابیان همسو با خشم آمریکا و اسرائیل از تقریب بین مسلمانان
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	مبانی فتوای مفتیان وهابی
۷	اشاره
۷	غلو درباره‌ی اهل بیت
۷	خواندن علی و اهل بیت در شهادت
۸	توسل به اصحاب قبور
۸	تحریف قرآن
۹	بی‌اعتنایی به قرآن
۱۰	سب و لعن خلفا و صحابه
۱۱	اساس عمل به حدیث
۱۲	تمسک به احادیث کذب
۱۲	تقیه و نفاق
۱۴	پاورقی
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فتاوی تفرقه انگیز وهابیان همسو با خشم آمریکا و اسرائیل از تقریب بین مسلمانان

مشخصات کتاب

مؤلف: عبدالکریم بی آزار شیرازی

مقدمه

نیم قرن قبل کنگره‌ای توسط علمای اسلامی در قدس برگزار گردید، و علمای همه‌ی مذاهب و همه کشورهای اسلامی برای خنثی کردن جنبش صهیونیسم، و اعلامیه بالقور نماز جمعه را در مسجد الاقصی به امامت یکی از مراجع تقلید شیعیان مرحوم حاج شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء برگزار کردند. سیاستمداران انگلیسی که در آن موقع به نمایندگی دولت متبوع خود بر فلسطین و اردن و عراق حکومت می کردند از تقریب و همبستگی میان شیعه و سنی به وحشت افتادند و شخصی را به نام «اسعاف نثایی» به تألیف و نشر کتابی به نام «اسلام صحیح» برانگیختند. و او باس قلم اجیر شده و تفرقه انگیزش خطاب به همه مذاهب اسلامی اعلام داشت: شما هیچ کدامتان مسلمان نیستید، تنها من مسلمانم و بس. در آن روزها در اثر بی اطلاعی مسلمانان از یکدیگر، استعمارگران و تفرقه انگیزان از این راه توانستند، سیاست فرق تسد (تفرقه بینداز و آقایی کن) را به اجرا در آورند، و کار را به جایی برسانند که در حال حاضر بعضی از سران دست نشانده در نهایت ذلت و خواری رژیم اسرائیل غاصب را برسمیت بشناسند. در سال ۱۳۹۵ ه. ق. شیخ عبدالعزیز عبدالله بن باز رئیس دانشگاه مدینه و مفتی عربستان فتوایی به شماره ۲۱۴۳ مورخ ۳ / ۹ / ۱۳۹۵ صادر کرد که: [صفحه ۵۰] «نماز به امامت زیدیه را صحیح نمی دانم زیرا خصلت غالب در آنان این است که نسبت به اهل بیت غلو می کنند و انواع شرک را مرتکب می کردند، افزون بر این که نسبت به بعضی از صحابه عشق می ورزند و بدعتهایی را بروز می دهند، و همچنین است وضع بقیه گروههای شیعه که امروز وجود دارند مثل امامیه و گروههای دیگر...» یک سال بعد سیاست عوض می شود و همین مفتی از فتوای خود برمی گردد و اعتراف می کند که آن فتو را بر اساس مسموعات صادر کرده است: «این همان فتوایی است که توسط این جانب صادر گردیده و مبتنی بر اطلاعاتی است که از طرق بسیار به من رسیده است.» اتخاذ چنین روشی از جانب یک فقیه و رئیس دانشگاه مسلمان، به حدی، مایه‌ی شگفتی است که قاضی عبدالرحمن اریانی از ملاحظه‌ی آن متحیر می گردد و در نامه‌ی مورخ ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۹۶ خود به علامه عبدالرحمن خیر چنین می نویسد: «به طوری که ملاحظه می کنید مشار الیه از تکفیر عام و مطلق خود به طور محافظه کارانه دست برداشته اما او را همین بس که بدین وسیله خود را در قالب شخصی شناسانده که بنا بر گفته‌هایی حکم تکفیر صادر می کند و باز بر اساس گفته‌هایی دیگر، محافظه کارانه از حکم قبلی خود دست برمی دارد و به عبارتی دیگر علم و اطلاع از مندرجات کتب و اقوال علماء قومی به تکفیر آنان می پردازد و بدین ترتیب نهایت جرأت را در امر افتاء به خرج می دهد.» آقای بن باز در بازگشت خود از تکفیر شیعه می نویسد: «عده‌ای از فارغ التحصیلان دانشگاه اسلامی مدینه که نسبت به علم و دینشان وثوق کامل دارم، ضمن تماس اظهار داشتند، علمای زیدیه بر عدم غلو نسبت به اهل بیت نظر دارند، و سزاوار نیست که وقوع شرک از جانب برخی از عوام مجوزی برای اتهام اکثریت آنان گردد. بنابراین بر من واجب آمد که در فتوای قبلی خود تجدید نظر کنم و از این که بدون مجوز شرعی مسلمانی را تکفیر کنم و با نماز خواندن پشت سر مسلمانی را منع نماید، به خدا پناه می برم. هر انسانی باید بر طبق جرمش بازخواست شود و بر ظاهر گفتار یا کردارش محکوم گردد...» رئیس کل مرکز تحقیقات علمی و افتاء و تبلیغ و ارشاد عبدالعزیز بن عبدالله بن باز ۲۴ / ۹ / ۱۳۹۶ ه. ق. [۱]. [صفحه ۵۱] و اینک درست همزمان با تأسیس مجمع تقریب در ایران به امر آیت الله خامنه‌ای ولی فقیه مسلمین و نشست سران کشورهای اسلامی در تهران و سودان علیه کنفرانس مادرید و سازش ذلت بار سران ارتجاع با اسرائیل، و پیوستن و تقریب مسلمانان الجزایر و سودان،

یمن و جمهوریهای مسلمان نشین شوروی به جمهوری اسلامی و افروخته شدن خشم و نفرت سران آمریکا و اسرائیل از این همبستگی، بار دیگر مفتیان وهابی مانند بن باز و شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین و بعضی دیگر از تجدید نظر خود پشیمان می‌شوند و مجدداً فتوای خود را مبنی بر تکفیر شیعه و استحقاق شیعه برای کشته شده صادر می‌کنند و ایادی استعمار آن را در سطح وسیعی منتشر می‌کنند و بار دیگر امنیت شهر امن مکه را به خطر می‌افکنند.

مبانی فتوای مفتیان وهابی

اشاره

اینک بد نیست به مبانی فتوای مفتیان وهابی بنگریم تا دریابیم که چقدر این فتاوی بی‌مطالعه و از روی احساسات، تعصبات، شایعات و یا سوء تفاهمها صادر شده است.

غلو در باره‌ی اهل بیت

آقای بن‌باز، رئیس کل مرکز تحقیقات علمی و افتاء و رئیس دانشگاه اسلامی مدینه و آقای شیخ جبرین و دیگران در فتوایشان چنین استدلال کرده‌اند که خصلت غالب در آنان این است که به اهل بیت غلو می‌کنند و آنگاه می‌گویند این فتوا مبنی بر اطلاعاتی است که به من رسیده است. آیا روش تحقیق و افتاء و اجتهاد در دانشگاه اسلامی مدینه و مرکز تحقیقات علمی و افتاء مدینه خود سانسوری از کتب و منابع شیعه و استفاده از شایعات است؟ آقای رئیس کل تحقیقات! آیا می‌دانید به شیعه‌ای نسبت غلو می‌دهید که تمامی فقها و مراجع آنان در رساله‌های علمی خود غلو کننده را نجس و از ارث محروم می‌دانند؟ و غسل دادن و دفن نمودن مرده‌های آنان را اجازه نمی‌دهند؟ و نیز دادن زکات به غلاة حرام و ازدواج با غالی را جائز نمی‌دانند؟ [۲]. آیا در کجا شیعه، علی را رب و خالق و متصرف در کون و عالم غیب و مالک سود و زیان و مانند آن دانسته که شیخ عبدالله بن عبدالرحمن جبرین در فتاوی مورخ ۲۲ / ۳ / ۱۴۲۱ هـ به شیعه نسبت می‌دهند؟ شاید این هم از روشهای تحقیق مرکز تحقیقات ملی و افتاء عربستان است که مشخصات فرقه‌ی غلاة را که در کتاب ملل و نحل شهرستانی آمده در ذهن خود به میلیونها نفر شیعه‌ی امامی منطبق کنند بی‌آن که واقعتهای موجود را که درست ضد آنست در نظر گیرند؟! [صفحه ۵۲]

خواندن علی و اهل بیت در شهادت

دلیل دیگر آقای بن‌باز و عبدالله بن عبدالرحمن جبرین و دیگر مفتیان وهابی این است که شیعیان غالباً مشرکند زیرا که علی بن ابی‌طالب را پیوسته در شهادت و سختیها می‌خوانند، و نیز فرزندان علی و ائمه خود را در دعا می‌خوانند و این شرک اکبر و ارتداد از اسلام است که مستحق کشته شدن می‌باشند. این شرک بینی شیعه نیز همان طور که خود اظهار داشته‌اند بر اساس ظاهر بینی، و مسموعات ایشان در مکه و عرفات است، و ای کاش با دید حقیقت بین مساله را دنبال می‌کردند تا دریابند، شیعه هرگز به این صورت که فکر می‌کنند از پیامبر و اهل بیت چیزی نخواستند که علمای شیعه، نیز این عمل را شرک می‌دانند بلکه اگر به کتب ادعیه شیعه توجه شود طرف دعا همواره خداست و پیامبر و اهل بیت شفیع و وسیله‌اند و به تعبیر سید محمد رشید رضا در تفسیر «المنار» شیعه مانند میهمانی است که بعضی از نیازهایش را مستقیماً از صاحب خانه می‌خواهد و بعضی را توسط اهل بیت و دوستان صاحب خانه که توسط او برای خدمت به میهمانان گمارده شده‌اند، درخواست می‌کند و همه را از الطاف صاحب خانه می‌داند. اگر این کار شرک است لابد شما پیغمبر اکرم (ص) را نیز مشرک می‌دانید که بر اساس روایت صحیح نزد خودتان از ترمذی، حاکم، و

ابن حجاجه به ناینایی یاد دادند که در دعای خود بگوید: «پروردگارا، من به وسیله پیغمبرت که پیامبر رحمت است به سوی تو روی می آورم و حاجت خود را از تو می خواهم. یا محمد! من به وسیله تو به درگاه پروردگرم روی می آورم که حاجتم را برآورده سازد. پروردگارا شفاعتش را در حق من بپذیر». مگر دعای توسلی که در مکه و عرفات از شیعه شنیده‌اید غیر از اینست که در تمام قسمت‌های آن، این چنین پیامبر یا اهل بیت، شفیع و وسیله قرار داده شده‌اند؟ اللهم انی اسئلك و اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة محمد (ص) یا ابالقاسم یا رسول الله. یا امام الرحمة یا سیدنا و مولانا انا توجهنا و استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیها عندالله اشفع لنا عندالله» [۳]. آیا کجای این دعا شرک و درخواست و دعا از غیر خداست؟ مگر در «صحیح بخاری» - باب استسقای مردم در قحط سالی و در باب علامات نبوت نیامده که مردم پیش پیامبر آمدند و گفتند، گاو و گوسفندان ما هلاک شدند، از خداوند بخواه که برای ما باران نازل کند و پیغمبر (ص) دعا کردند. بعضی از وهابیان، مانند شیخ سلیمان نجدی، گفته‌اند: توسل فقط مخصوص پیغمبر است نه دیگری، اگر چنین است پس باید خلیفه دوم عمر را هم مشرک بدانید زیرا که وقتی در زمان وی قحطی پدید آمد برای استسقاء و نزول باران به عموی پیغمبر (ص)، عباس متوسل شد، و [صفحه ۵۳] چنین دعا کرد: «خدایا با توسل به عموی پیغمبر (ص) از تو طلب آب می کنیم» [۴].

توسل به اصحاب قبور

وهابی‌ها معتقدند. توسل به امواتی که نزد خدا جا و مقامی دارند، جایز نیست «ابن عبدالوهاب» حاجت خواستن از مردگان را خطاب به معدوم می‌داند و از نظر عقل زشت و مذموم. «ابن تیمیه» این عمر را شرک دانسته و به این آیه استناد می‌کند که: «معبودانی که جز خدای یگانه به خدایی می‌خوانید، پوست هسته خرمایی هم؟؟؟؟ ندارند، اگر آنها را بخوانید (چون جمادند) دعای شما را نمی‌شنوند، و اگر هم بشنوند اجابت نمی‌کنند [۵]. باید گفت معدوم دانستن مردگان آن هم کسانی که نزد خدا جاه و مقامی دارند کاملاً مخالف نص صریح قرآن است که می‌فرماید: «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون». کشته شدگان راه خدا را مرده نپندارید که اینان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند [۶]. و همچنین بر خلاف روایات صحیح بخاری است که پیغمبر اکرم در کنار چاه بدر ایستادند و با آیهی ۴۶ سورهی اعراف کشته شدگان را مخاطب قرار دادند و با آنان سخن گفتند بعضی‌ها ایراد گرفتند که پیغمبر با مردگان سخن می‌گوید، حضرت فرمود: شما شنواتر از آنان نیستید [۷]. و نیز بر خلاف نظریه‌ی علمای بزرگ اهل سنت همچون غزالی در کتاب «احیاء العلوم» است که می‌گوید: «برخی از مردم مرگ را نیستی و عدم می‌پندارند و کسانی بر این عقیده‌اند که بی‌دین و منکر خدا و آخرت هستند». بنابراین وقتی که مردگان مشرک بنا به فرمایش پیغمبر اکرم (ص) از زندگان شنواترند: ما اتم باسمع لماقلت منهم، آیا خود پیامبر اکرم و ائمه‌ی طاهرین که از این جهان رخت بر بسته‌اند، شنواتر نیستند؟ و اگر توسل به آنان بعد از مرگ یا شهادت شرک است باید توسل به آنان در زمان حیاتشان نیز شرک باشد. آیاتی هم که امثال «ابن تیمیه» برای شرک خواندن توسل به پیامبر و اهل بیت آورده‌اند، کاملاً مغایر است زیرا آیات، کافران و مشرکان را نکوهش می‌کند که بتها یا طاغوتیاتی را به خدایی گرفته و به جای خدا حاجات خود را از آنان می‌طلبند مسلماً اگر ما نیز حاجات خود را اینچنین از پیامبر و ائمه، مستقل از خدا، بطلبیم شرک است، و معاذ الله که ما چنین تصور و [صفحه ۵۴] عقیده‌ای داشته باشیم، بلکه همان طور که گذشت - همواره حاجات خود را از خدا می‌طلبیم و پیامبر و اهل بیت را به خاطر آبرویی که پیش خدا دارند و اجازه‌ی شفاعتی که خدا به آنان داده است وسیله‌ی استجاب دعا قرار می‌دهیم.

تحریف قرآن

شیخ جبرین در فتوای خود می‌افزاید: «شیعیان طعن به قرآن می‌زنند و گمان می‌کنند که صحابه آن را تحریف کرده و از آن

چیزهای بسیاری که مربوط به اهل بیت و دشمنان آنان است حذف کرده‌اند بنابراین اعتقادی به قرآن ندارند و آن را دلیل و حجت نمی‌دانند». این تهمت آقای شیخ جبرین نیز حاکی از بی‌اطلاعاتی کامل ایشان از شیعه و کتابهای علمیه آنان است. ای کاش همان طور که ما شیعیان تمامی کتب اهل سنت را در کتابخانه‌های خود مطالعه می‌کنیم، علمای وهابی هم قدری از شدت خود سانسوری می‌کاستند و بعضی ای کتب شیعه را به کتابخانه‌های خود می‌برند، و از طریق کتب دشمنان، شیعه را مورد قضاوت قرار نمی‌دادند. و ای کاش لااقل به پیام تاریخی امام در مراسم حج گوش می‌دادند که صریحا صیانت قرآن از تحریف را مورد تأکید قرار دادند. و یا یکی از صدها مقاله و کتابی که توسط محققان شیعه درباره‌ی عدم تحریف قرآن نوشته شده مانند کتاب «تفسیر البیان» آیت الله خوئی و «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی ج ۱۲، کتاب علامه عسگری و «اعتقادات» صدوق و «آلاء الرحمن فی تفسیر المیزان» علامه شیخ جواد بلاغی، کتاب «افسانه‌ی تحریف قرآن» و کتاب «التحقیق فی نفی التحریف» و همچنین فتاوی مراجع بزرگ شیعه همچون آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی شاهرودی و آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی میلانی مبنی بر عدم تحریف قرآن را در مقدمه ترجمه و تفسیر میر احمد علی پاکستانی ملاحظه می‌کردند. آیا جزئی بینی و کلی گویی روش تحقیق و افتاء است؟ آیا به صرف این که شخص غیر مسؤولی در زمانی اظهار نظر شخصی کرده و یا مستشرقی درباره‌ی شیعه چنان گفته باید آن را به حساب کل شیعه گذاشت و نظر جمهور علما و فقها و مفسران شیعه را نادیده گرفت؟ اگر چنین است پس اجازه دهید ما هم همین روش تحقیق و افتاء را در پیش گیریم و آنچه شایسته گفتن نیست از قبیل نسبت قول تحریف به اهل سنت را به استناد برخی روایات سست [۸] بنویسیم که البته نمی‌نویسیم زیرا با روش تحقیق سازگار نیست. مسلما تمامی فرق و مذاهب اسلامی با تحقیقات و اجتهادهای فراوان و کنار رفتن سیاستها و حکومت‌های تحمیل کننده، تغییرات فراوان از نظر اندیشه و اعتقاد یافته و بسیاری از اشتباهها را کنار گذاشته‌اند و این صحیح نیست که نبش قبور اشتباههای گذشتگان، برای هر یک از [صفحه ۵۵] مذاهب، هیولا و تصوراتی خصمانه در ذهن خود بسازیم و بر اساس ساخته‌های خود آنان را تکفیر و مهدور الذم کنیم، بلکه لازم است واقعیت‌های موجود را بشناسیم و آنچه را که هر مذهبی در حال حاضر فکر و عمل می‌کند مورد قضاوت و یا انتقاد قرار دهیم. نه فقط به استناد شش عنوان کتابی که قرن‌ها پیش توسط دشمنان شیعه نوشته شده و شما در فتاوی خود معرفی کرده‌اید.

بی‌اعتنایی به قرآن

اما این که در فتاوی خود نوشته‌اند شیعه اعتنایی بهس قرآن ندارد و آن را «دلیل» نمی‌دانند، از آن تهتم‌هایی است که باز نشانگر بی‌اطلاعی کامل از آن همه تفاسیر و دوره‌های کتب فقهی و استدلالی با کتب (احکام القرآن و آیات الاحکام) شیعه است، و در این مورد نیز به شیعه‌ای این تهمت بزرگ را می‌زنند که رهبر فقیدش امام خمینی (ره) حتی در بستر بیماری روزی هشت بار، قرآن تلاوت می‌کرد و تمام گفتار و کردارش منطبق با قرآن بود و رهبر کنونی شیعه آیت الله خامنه‌ای عاشق و پیرو قرآن است و با شنیدن صوت قرآن گریان می‌شود، و همواره درصدد حفظ قرآن بوده و هست و بسیاری از سوره‌های قرآن را حفظ دارد و هر سال عده‌ای از قاریان مصری به ایران دعوت می‌شوند و آن همه مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند. و نیز به شیعه‌ای تهمت بی‌اعتنایی به قرآن را می‌زنند که تفسیر مجمع البیان بنا به پیشنهاد بزرگترین شیخ الازهر، شیخ عبدالمجید سلیم و با مقدمه‌ی تاریخی شیخ محمود شلتوت شیخ فقید الازهر و با حواشی علمای الازهر به عنوان بهترین تفسیر عالم اسلامی، چاپ می‌شود و مورد استفاده هزاران عالم سنی جهان اسلام قرار می‌گیرد. و ای کاش ما مسلمانان، اینچنین از هم بیگانه نبودیم و سری به ایران می‌زدید تا ببینید بعد از انقلاب اسلامی چقدر استقبال مردم و حوزه‌های علمیه به قرآن افزایش یافته و چقدر (دارالقرآن) ها و (دارالتحقیظها) تأسیس و چقدر سمینارها و کنفرانسهای قرآن برگزار و چقدر تفسیر و تحقیق درباره‌ی قرآن نگاشته می‌شود.

سب و لعن خلفا و صحابه

چهارمین دلیلی که برای تکفیر شیعه آورده‌اند اینست که اینان به بزرگان صحابه مانند خلفای سه گانه و زنان پیامبر و مشاهیر صحابه مانند انس و جابر و ابی هریره و مانند آنان طعنه می‌زنند و احادیث آنان را نمی‌پذیرند زیرا که اینان در نظرشان کافرند. این که شیعه خلفای سه گانه و زنان پیامبر و اصحاب را کافر می‌داند، تهمتی دیگر بر شیعه است بلکه نظر شیعه به خلفا و اصحاب همان نظری است که حضرت علی (ع) و سایر ائمه [صفحه ۵۶] درباره‌ی آنان داشته‌اند، و همواره این دعای امام سجاد (ع) را در صحیفه سجادیه راجع به اصحاب می‌خوانند که: اللهم و اصحاب محمد (ص) خاصه الذین احسنوا الصحابه... خداوندا! اصحاب گرامی محمد (ص) خاصه او هستند که حق صحبت و یاری را بخوبی ادا کردند، کسانی که در راه یاری او به بلاهای بسیار مبتلا گشتند و بخوبی از عهده‌ی امتحان برآمدند و از او جانبداری کردند و صمیمانه به سوری ندا و پیام او بشتافتند... خداوندا بر اصحاب محمد (ص) درود باد که صحبت او را با جان خویش آمیخته بودند و به جای کالای دنیا متاع مهر و محبت به بازار آوردند،... پس خداوندا تو نیز به رحمت و لطف خویش آنچه را در راه تو، به خاطر تو ترک کردند و مردم را به سوی تو فراخواندند و با پیامبر تو به جانب تو راه پیمودند، فراموش مکن و از آنها اراضی و خشنود باش... [۹]. این دعا به تعبیر عالم بزرگ شیعه استاد محمد جواد مغنیه، بهترین نمودار عقاید شیعه نسبت به اصحاب است [۱۰]. اما اینکه گفته شده شیعیان خلفا و بزرگان صحابه را مورد طعن قرار می‌دهند، انکار نمی‌کنیم که همواره در دو طرف بعضی از عوام و افراد نادان و یا افراطی برخی از خلفا و صحابه را مورد طعن قرار داده‌اند، اما این مسأله هیچ گاه بخصوص بعد از انقلاب امام خمینی عمومیت نداشته است و بزرگان شیعه به پیروی از ائمه (ع) بخصوص حضرت علی (ع) از طعن و سب و لعن خودداری می‌کنند. ای کاش نهج البلاغه حضرت علی (ع) را می‌خواندید که شیعیان خود را حتی از سب و دشنام به سپاهیان معاویه باز می‌دارد و می‌فرماید «انی لا احب ان تکونوا سباین» [۱۱] (من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید). علامه‌ی امینی در کتاب الغدیر به دنبال نقل این خطبه می‌نویسد: «چون علی (ع) چنین گفت: حجرو عمرو گفتند: یا امیر المؤمنین! پندت را می‌پذیریم و به همان سان که تو می‌خواهی تربیت می‌شویم. امینی نیز همین را می‌گوید بلکه این سخن همه‌ی شیعه است: [۱۲]. و مرحوم کاشف الغطاء مرجع فقه و محقق بزرگ شیعه در عراق می‌نویسد: «تنها فرق مهم ما با اهل سنت یکی در امامت است که این بستگی به وحدت اسلامی ندارد و دیگر سب و لعن خلفاست که بیشتر شیعیان با آن مخالفند و در اخبار ائمه از آن نهی شده است. بنابراین صحیح نیست که به [صفحه ۵۷] واسطه‌ی روش نکوهیده بعضی از افراطیها با تمام شیعیان دشمنی ورزید، و بر فرض تمام شیعه‌ها این چنین باشند این امر موجب کفر و خروج آنان از اسلام نخواهد گشت، نه‌است مرتبه این که مرتکب گناه شده‌اند و چه بسیاری گنهکار در هر دو دسته، و عصیان مسلمان موجب قطع رابطه‌ی برادری اسلامی نخواهد گردید.» [۱۳]. البته بنا به فتوای شما وهابیان که طعن بر خلفا و اصحاب را موجب کفر و خروج از اسلام می‌دانید باید گفت که شما خود حکم تکفیر عده‌ای از خلفا و صحابه را صادر کرده‌اید زیرا در طول دهها سال از دوران زمامداری بنی‌امیه و چند سال از حکومت عباسیان، در خطبه‌های نماز جمعه و روی منابر به علی (ع) و امام حسن و امام حسین و عده‌ای از صحابه ناسزا می‌گفتند، و در بین ناسزاگویان و یا آمران به ناسزاگویی کسانی بودند که جزو صحابه و خلفا به شمار می‌رفتند. البته چنین توجیه خواهید کرد که اینان اجتهاد کرده‌اند و معذورند. به قول علامه کاشف الغطاء: «وقتی اجتهاد جنگهایی را که در صدر اسلام میان اصحاب روی داده مانند جنگ جمل و صفین، صحیح می‌شمرد و کشتن هزاران نفر مسلمان و ریختن خون آنان را جرم نمی‌داند، پس بهتر است که تجاوز و طعن برخی از افراطیها را نسبت به خلفا جرم نداند.» [۱۴]. ای کاش آنقدر از برادران خود بیگانه نبودید و آن همه اهتمام وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران را برای جلوگیری از کتابهای تفرقه انگیز می‌دیدید و یا از انتشارات شیعه در لبنان با خبر می‌شدید که تمامی کتب «دایرة المعارف بحار الانوار مجلسی» را چاپ کرده‌اند بجز چند جلد آن که سب و لعن در آن بوده است، و افسوس که نمی‌دانید که در حوزه‌ی علمیه‌ی قم کتاب ادعیه شیعه توسط عالم جلیل القدر و با تقوا و استاد بزرگ

حوزه آیت الله مشکینی از سب و لعن زدوده شده است.

اساس عمل به حدیث

دلیل دیگر مفتیان وهابی بر کفر و مباح بودن قتل شیعیان اینست که احادیث صحابه را قبول ندارند و به احادیث صحیحین عمل نمی‌کنند مگر آنچه را که از اهل بیت رسیده باشد و به احادیث دروغ و یا احادیث بی‌دلیل عمل می‌کنند. همانطور که مرحوم علامه کاشف الغطاء می‌نویسد: اختلاف ما در این باره اختلاف در صغری است نه در کبری، به عبارت دیگر، ما همگی تمامی دستورات پیامبر (ص) را واجب [صفحه ۵۸] الاطاعه می‌دانیم به دلیل این که قرآن می‌فرماید: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول. اما اینکه باید منحصر از فلان محدث یا فلان کتاب حدیث دستورات پیامبر اکرم گرفته شود به چه دلیل؟ آنچه که قابل قبول قرآن و عقل است این است که اساس عمل به حدیث باید بر وثوق و اطمینان به راستگویی راوی باشد - خواه امامی باشد یا غیر امامی - و با قرآن مغایرت نداشته باشد. و این نظر محققین شیعه است در عمل به حدیث: به عنوان نمونه علامه حلی در کتاب «الخلاصه» و میرزای قمی در «قوانین الاصول» [۱۵] تصریح می‌کنند که: «احادیث افراد موثق غیر شیعه مورد قبول است». همچنین در کتاب «تنقیح المقال ج» [۱۶] و «رسائل» شیخ انصاری [۱۷] آمده که روایت صحیح از امام صادق (ع) رسیده که خذوا مارووا (آنچه را که اهل سنت) روایت می‌کنند بگریید. سید محمد تقی حکیم در کتاب الاصول العامه می‌نویسد: «شیعه اخبار کسانی را که با آنها همعقیده نیستند حجت و معتبر دانسته مشروط بر این که ثابت شود که مورد وثوق هستند و اخبار این قبیل افراد را «موثقات» نامند و این گونه خبرها مانند سایر اخبار حجت بوده و کتابهای شیعه از این گونه احادیث مملو است» [۱۸]. نمونه‌ی عملی استفاده فراوان علمای بزرگ شیعه از روایات موثق اهل سنت، کتاب «تفسیر الصافی» و «المحججه البیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادت» نراقی «شرح لمعه» و «منیة المرید» و «مسکن الفواد» شهید ثانی، «تفسیر ابوالفتوح رازی»، «تفسیر مجمع البیان»، «تفسیر منهج الصادقین» و «السوق فی الدوله الاسلامیه» علامه سید جعفر مرتضی است. شیخ طوسی در کتاب «عده الاصول» این روایت را از امام صادق نقل می‌کند که فرمود: «اذا نزلت بکم حادثه لا تجدون حکمها فیما روی عننا فانظر وا الی مارووه عن علی (ع) فاعملوا به» [۱۹]. (هر گاه مسئله‌ی تازه‌ای برای شما پیش آمد که حکم آن را در آنچه از طریق ما روایت شده نیافتید به آنچه آنان (اهل سنت) از علی (ع) روایت کرده‌اند بنگرید و بدان عمل کنید). شیخ طوسی به دنبال نقل این روایت می‌نویسد: «به جهت آنچه گفتیم، طایفه امامیه به آنچه که حفص بن غیاث و غیاث بن کلوب و نوح بن دراج، سکونی و غیره آنان از اهل سنت از ائمه ما روایت کرده‌اند، عمل نموده و مورد انکار قرار نداده‌اند و مخالفت مفاد آن را ندانسته‌اند» [۲۰]. از محتوای کلام شما چنین برمی‌آید که مخالف امام علی و اهل بیت پیغمبر نیستید، مسلماً [صفحه ۵۹] نمی‌توانید انکار کنید که اهل بیت بخاطر قرابت و نزدیکی با پیغمبر (ص) و علم و تقوای فراوان بهترین ناقل حدیث بلکه عترت قولا و عملا بهترین بیانگر سنت است. و لذا در احادیث فراوان شما حدیث ثقلین هم با عبارت «کتاب الله و سنتی» و هم با عبارت «کتاب الله و عترتی» آمده است. [۲۱] که البته اسناد حدیث دوم بسیار بیشتر و قوی‌تر است. بنابراین، آیا ایراد بر کتب حدیثی شیعه وارد است؟ که جمع بین سنت و عترت کرده و بیشترین روایاتش را از ائمه بخصوص امام باقر و امام صادق (ع) گرفته است یا ایراد بر برخی از کتب حدیثی شما چون بخاری که از عترت فاصله گرفته و از ابوهریره - که بیش از یک سال و نه ماه محضر پیامبر خدا را درک نکرده - ۴۴۶ حدیث و از امام علی (ع) - که در دامان نبوت پرورش یافته - فقط ۲۰ حدیث نقل کرده و از امام باقر و امام صادق حتی یک حدیث هم نقل نکرده است [۲۲]. در عین حال ما به دستور ائمه از کتب احادیث شما استفاده می‌کنیم اما نه کلینی و نه بخاری و نه هیچیک از جمع کنندگان حدیث را معصوم و روایاتشان را صد در صد صحیح نمی‌دانیم بلکه بعضی را قابل تحقیق و اجتهاد و بسیاری را مشترک میان فریقین می‌بینیم. می‌گویند ما نسبت به علی و اهل بیت اشکالی نداریم ایراد ما به راویان و روایت شما است ای کاش درباره‌ی علم الحدیث شیعه اندکی مطالعه می‌کردید تا

دریابید که شیعه نیز برای پذیرش حدیث مقررات و قواعد محکمی دارد و روایت هر روایت کننده‌ای را نمی‌پذیرد. و ای کاش کتاب «المراجعات» مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین را می‌خواندید تا دریابید که بیش از صدراوی شیعه همانهایی هستند که در کتب؟؟؟؟ شما مورد وثوق و اعتبار هستند و روایاتشان را نقل کرده‌اند و در واقع مشترک میان شیعه و سنی هستند، و ای کاش کتابهایی چون دوره‌ی کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه» از شیخ محمد جواد مغنیه را مطالعه می‌کردید تا دریابید که شیعه و سنی در بیشتر احکام و روایات با هم مشترک و یکسانند، و ندانسته به دشمنی با یکدیگر برخاسته‌اند.

تمسک به احادیث کذب

دلیل دیگری که مفتیان وهابی علیه شیعه مطرح کرده‌اند، این است که شیعیان به احادیث دروغ یا روایات بی‌دلیل تمسک می‌جویند. باز هم به شیعه‌ای چنین تهمتی را روا می‌دارید که همواره روایت پیامبر اکرم (ص) را مد نظر دارد که فرمود: «هر کس عمدا بر من چیزی به دروغ نسبت دهد جایگاهش آتش خواهد بود.» و شیعیان، بیش از سایر مذاهب اسلامی، اساس عمل به حدیث را صدق راوی قرار داده‌اند [صفحه ۶۰] تا جایی که تمامی فقهای شیعه دروغ بستن به خدا و پیامبر و ائمه (ع) را مبطل روزه و موجب قضا و کفاره می‌دانند [۲۳]. و نمونه‌ی عملی پرهیز شیعه از احادیث دروغ و یا توهین آمیز به خلفا و اصحاب این که چند سال پیش چاپ یک جلد کتاب حدیث جعلی که حاوی توهین به خلفا بود ممنوع اعلام شد. و از همه مهمتر سنت بسیار حسنه و پسندیده‌ی «هفته‌ی وحدت» است که پس از انقلاب اسلامی در ایران برقرار گردیده و هر سال به مناسبت میلاد رسول اکرم تجدید می‌شود. ولی افسوس که شما این را هم نیز بدعت و حرام دانستید.

تقیه و نفاق

نهمین دلیل وهابیون بر کفر و استحقاق کشته شدن شیعه اینست که: «منافقانه عمل می‌کنند و به زبان چیزی می‌گویند که در قلبشان نیست و در دلشان چیزهایی را پنهان می‌دارند و می‌گویند: من لا تقیه له فلا دین له (کسی که تقیه ندارد دین ندارد) بنابراین ادعای برادری و محبت دینی آنان پذیرفته نیست. زیرا نفاق عقیده آنان است.» عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین ۲۲ / ۳ / ۱۴۲۱ افسوس و صد هزار افسوس که عقیده‌ی شیعه را در این باره‌ی نیز به بدترین وجه توجیه و مورد سوءظن قرار داده‌اید. تقیه از کلمه‌ی تقوی به معنای پرهیز است و بنابر رساله‌ی التقیه‌ی امام خمینی رضوان الله تعالی علیه که در ۱۳۷۳ ه نگاشته شده بر دو قسم است: ۱ - تقیه‌ی اضطراری: این نوع تقیه مطابق نظر شیعه و سنی هر دو است و منظور در هر موردی است که انسان مضطرب شود، مانند بیم انسان از زیان جانی، آبرویی، و مالی یا آنچه متعلق به اوست و نیز بیم از ضرر به برادران ایمانی و یا بیم از ضرر به حوزه‌ی اسلام و ترس از ایجاد اختلاف کلمه مسلمین. بنا به آیه‌ی «فمن اضطر» [۲۴] یا آیه‌ی «الا- من اکره و قلبه مطمئن بالايمان» [۲۵] حفظ جان و آبرو و مال محترم، و حوزه‌ی اسلام مقدم است. هر چند که به اندازه‌ی ضرورت و اضطرار ناچار به خوردن حرام یا گفتن دروغ و یا پنهان داشتن عقیده باشد. مفسران شیعه و سنی در تفسیر آیه‌ی فوق می‌گویند: مشرکان عمار یاسر را اذیت و آزار کردند و وا داشتند که سخن زشتی در مورد خدا و پیامبر بر زبان جاری سازد، و او چنین کرد. برخی از اصحاب گفتند عمار یاسر کافر شد اما رسول اکرم (ص) فرمودند: هرگز، عمار [صفحه ۶۱] از سر تا پای در ایمان فرورفته است... عمار آمد نادم و پریشان می‌گریست، رسول خدا دست بر چشمان او کشید و فرمود: «گریستن را فروگذار، اگر باز هم چنین کردند، تو نیز آنچه را گفتی تکرار کن.» [۲۶]. بنابراین تقیه بدعت شیعه نبوده بلکه شیعه و سنی آن را از قرآن گرفته‌اند و حتی اصطلاح تقیه را از آیه ۲۸ سوره‌ی آل عمران گرفته که می‌فرماید: لا يتخذو المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تتقوا منهم تقاة. (نباید اهل ایمان، مؤمنان را وا گذاشته و از کافران دوست گیرند و هر که چنین کند رابطه‌ی او با خدا قطع است مگر برای در حذر بودن

از شر آنها) دلیل دیگر تقیه، آیه‌ی ۲۸ سوره مؤمن است. که مؤمن آل فرعون ایمانش را از فرعونیان پنهان می‌کرد: و قال رجل مؤمن من آل فرعون بکتم ایمانه. بنابراین آیه‌ی کتمان ایمان و اظهار خلاف آن، نفاق و ریا نیست و الا قرآن نمی‌فرمود رجل مؤمن. علمای بزرگ اهل سنت نیز این مسأله را قبول دارند و تقیه‌ی اضطراری را واجب می‌دانند چنان که غزالی در بخش سوم احیاء العلوم در باب موارد جواز دروغ می‌گوید: «پاسداری از خون مسلمان واجب است. پس هر گاه قصد خون مسلمانی از طرف ظالمی شد و آن مسلمان پنهان گردید، دروغ واجب است.» [۲۷]. فخر رازی نیز پس از ذکر اقوال مختلف در تقیه و تفسیر آیه‌ی: الا-ان تتقوا منهم تقاه می‌نویسد: از حسن نقل شده که: «تقیه تا روز قیامت برای مومن جایز است» و این قول بهتر است زیرا دفع ضرر تا جایی که امکان دارد واجب است [۲۸]. و به قول علامه شیخ عبدالرحمن خیر حتی آقای «بن باز» به تقیه فتوی داده است: این که آقای بن باز در فتوای خود به اهل سنت یمن گفته‌اند: بر اهل سنت واجب است در صورت امکان در تمام اوقات بر طبق اذان شرعی (بدون حی علی خیر العمل) اذان بگویند، چنین استنباط می‌شود که در صورت عدم تمکن از اعلام اذانی که خود آن را شرعی می‌نامند، اکتفا به اذانی را تجویز می‌کند که به زعم او بدعت می‌باشد و صدور چنین رأیی از جانب او به معنی عمل به تقیه تلقی می‌گردد که سنیان متعصب به واسطه‌ی آن، برادر شیعه خود را مورد نکوهش قرار می‌دهند.» [۲۹]. خوشبختانه همان طور که مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه می‌نویسد این نوع تقیه در [صفحه ۶۲] زمانهای دور، یعنی دورانی که بر شیعیان عذاب و شکنجه روا می‌داشتند بود و امروز که با آنان ظالمانه رفتار نمی‌شود تقیه اضطراری در بین شیعیان وجود ندارد [۳۰]. (۲) تقیه‌ی مداراتی: اما نوع دوم تقیه که اختصاص به تقیه با اهل سنت دارد، تقیه مداراتی است که آنچه مطلوب است تقوی، و پرهیز از اختلاف و خصومت با اهل سنت به منظور وحدت کلمه مسلمین با محبت و دوستی و مدارا با آنان است بدون این که ترس و بیم در کار باشد و امروز تقیه ما با برادران اهل سنت از این نوع است. امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در رساله‌ی خود می‌نویسد: «تقیه‌ی مداراتی که نسبت به آن ترغیب شده و عبادت با آن محبوبترین و با فضیلت‌ترین عبادات است. اختصاص به تقیه (و پرهیز از اختلاف) با اهل سنت دارد. شاید راز آن، صلاح حال مسلمانان یا وحدت کلمه و عدم تفرق و پراکندگی جماعت آنان است، تا این که میان سایر ملل ذلیل و خوار نشوند و تحت سلطه‌ی کفار و سیطره‌ی آنان واقع نگردند.» [۳۱]. و اینکه در فتوای خود نوشته‌اید شیعه معتقد است که «من لا- تقیه له لا- دین له». منظور تقیه مداراتی است و این سیرت پیامبر اکرم (ص) و مومنان واقعی است که اشداء علی الکفار رحماء بینهم. در پایان، ای مفتیان عربستان شما را در راه خدا انذار می‌کنیم: بترسید از قهر و غضب الهی که اینچنین بر ملتی که بنام دین خدا و پیامبر برانگیخته شده از میان شما خالصانه انقلاب کرده و آن همه شهید برای احیاء اسلام داده تهمت و افترا می‌بندید و رفتار محبت آمیزش را عمل منافقانه می‌خوانید و بدون تحقیق و مطالعه حکم تکفیر و قتلش را صادر می‌کنید و با دشمنان اسلام یعنی اسرائیل و آمریکا همسو می‌شوید و آب به آسیاب دشمن می‌ریزید. بترسید از این که خدای نکرده با این همه تفرقه انگیزی بین برادران مسلمان، در حالی که اسلام را در احتکار خود می‌دانید و سایر مسلمانان را مشرک می‌پندارید، خود بر اساس آیه‌ی ۳۲ روم از مشرکان باشید که می‌فرماید: «و لا- تکنونوا من المشرکین، من الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعا کل حزب بمالديهم فرحون». (و از مشرکین نباشید یعنی از کسانی که دین خود را به صورت فرقه‌های مختلفی پراکنده‌اند و هر فرقه و حزبی (دچار خود برتر بینی فرقه‌ای شده) به آنچه نزد خویش دارند شادمانند). [صفحه ۶۳] مبادا که همچون بنی اسرائیل دچار قضاوت قلب شوید و با قضاوت یکطرفه بدون مطالعه و تحقیق صحیح، فتوای مباح بودن خون میلیونها مسلمان مخلص را صادر کنید و صدها نفر زائر و میهمان خدا را در شهر امن الهی که حتی حیوانات هم در آن شهر در امانند به قتل برسانید و در پاکستان، سپاه صحابه تشکیل دهید و برادر کشی به راه اندازید. آیا بهتر نیست بجای این برادر کشی‌ها در ایران یا عربستان دور هم جمع شویم و از نزدیک یکدیگر را بهتر بشناسیم و برادرانه با منطق و برهان گفتگو کنیم؟ آیا بهتر نیست که کتابهای مورد استفاده، بخصوص کتب تفسیر و فلسفه‌ی شیعه را مورد مطالعه قرار دهید، آیا بهتر نیست سری به مساجد و کتابخانه‌های شیعه بزنید تا ببینید که قرآن

شیعه با قرآن شما هیچ فرقی ندارد. و از نزدیک شیعیان را بنگرید تا بدانید که مدارا و اظهار محبتشان نه از موضع ضعف و نفاق بلکه به دستور ائمه (ع) و مراجع آنان برای خداست. و آنچه را که در کتابهای ارائه شده در فتوایتان چندین قرن قبل راجع به شیعه تصور شده و شما مطالعه می‌کنید با واقعیت موجود کاملاً مغایر است. در خاتمه دعایی را که حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۲۰۶ نهج البلاغه به یاران خود بجای سب و دشنام به سپاهیان معاویه آموخته‌اند بر زبان جاری می‌کنیم: «بار پروردگارا! خون ما و آنها را حفظ کن بین ما و آنها را اصلاح نما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت فرما: تا آنان که جاهلند حق را بشناسند و کسانی که ستیزگی و دشمنی با حق می‌کنند دست بردارند و بازگردند».

پاورقی

- [۱] به نقل از کتاب الرسول یدعوکم یا ندای وحدت تألیف جناب آقای حاج شیخ حسن سعید، ص ۵۰۷ - ۴۸۴.
- [۲] رجوع شود به تحریر الوسيله امام خمینی، چاپ نجف ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۸ و نیز رجوع شود به بابهای طهارت، زکاة و ازدواج و ارث کتابهای جواهر، مسالک، عروۃ الوثقی، وسیله النجاة از کتابهای فقهی و عملی شیعه.
- [۳] مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، چاپ نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹، ص ۲۰۰.
- [۴] نگاه کنید به صحیح بخاری، کتاب ۱۵ باب ۳، کتاب ۶۳ باب ۱۱؛ طبقات ابن سعد ج ۳، ق ۱ - ص ۲۳۲، ج ۴، ق ۱، ص ۱۸.
- [۵] منهاج السنه، ابن تیمیه ج ۱، ص ۱۱.
- [۶] ابراهیم: ۱۷ و نیز سوره‌های اسراء: ۱۴، مریم: ۶۲، انفطار: ۱۳.
- [۷] صحیح بخاری، چاپ بیروت دار احیاء التراث بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۱ و نیز رجوع شود به صحیح مسلم، کتاب ۵۱، حدیث ۷۶ و ۷۷ و سنن نایب، کتاب ۲۱، باب ۱۱۶ و مسند احمد حنبل اول، ص ۲۶ دوم، ص ۱۳۱، ۳۴، ۳۱ و مسند الطیالی حدیث ۴۰۳.
- [۸] التفسیر الکبیر، الفخر رازی، ج ۱، ص ۲۱۳ و نیز رجوع شود به کتاب الانفاق فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۶۵.
- [۹] تفصیل این دعا را در صحیفه سجادیه، دعای چهارم تحت عنوان: فی الصلوه علی اتباع الرسل و مصدقهم، مطالعه فرمائید.]
- [۱۰] رجوع شود به مقاله‌ی «غلاة از نظر شیعه»، شیخ محمد جواد مغنیه در کتاب همبستگی مذاهب اسلامی ص ۲۳۵.
- [۱۱] نهج البلاغه خطبه ۱۰۶.
- [۱۲] الغدیر علامه امینی، جلد ۸ ص ۳۹۶.
- [۱۳] مجله‌ی رساله‌ی الاسلام، دارالتقریب، سال ۲، شماره ۱، جزء ۶ ص ۲۷۱ - ۲۷۰.
- [۱۴] همان مأخذ.
- [۱۵] قوانین الاصول، محقق قمی، چاپ ۱۳۱۹ ه، جزء اول.
- [۱۶] تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۶.
- [۱۷] الرسائل، شیخ مرتضی انصاری، بحث خبر واحد.
- [۱۸] الاصول العامه، سید محمد تقی حکیم، چاپ اول، ص ۲۱۹.
- [۱۹] عدۃ الاصول، شیخ طوسی (ج ۱) ص ۳۷۹ و الفوائد الرجالیه کجوری (ص ۷) و تفسیر الصافی فیض کاشانی، ج ۱، مقدمه.
- [۲۰] عدۃ الاصول شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۸۰.
- [۲۱] طبقات ابن سعد ج ۲، ق ۲، ص ۲، و مسند احمد بن حنبل ثالث ص ۱۴ و ۱۷ و ۲۶ و ۵۹ و رابع ص ۳۶۶، خامس ص ۱۸۱ و ۱۸۹.
- [۲۲] اضواء علی السنه المحمدیه، محمود ابوریه، نویسنده اهل سنت ص ۲۲۵.

[۲۳] رجوع شود به کتاب المراجعات آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین، چاپ پنجم، ص ۷۵ و ۷۷.

[۲۴] مائده: ۳.

[۲۵] نحل: ۱۰۶.

[۲۶] رجوع شود به تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل بیضاوی، ج ۱، ص ۳۶۱.

[۲۷] رجوع شود به احیاء علوم الدین، غزالی، چاپ بیروت، دارالمعرفه ۱۴۰۲ ه، ج ۳، ص ۱۲۹ - ۱۲۷ بیان مارخص فیہ من الکذب.

[۲۸] تفصیل احکام تقیه از نظر اهل سنت را در جلد ۸ تفسیر کبیر فخررازی، ص ۱۳ مطالعه فرمائید.

[۲۹] به نقل از مقاله علامه شیخ عبدالرحم خیر در قبول امامت شیعیان و اقتدای به آنان در کتاب الرسول یدعوکم تألیف شیخ حسن سعید، ص ۴۹۰.

[۳۰] تقیه از نظر اهل سنت و شیعه، شیخ محمد جواد مغنیه، کتاب توحید کلمه، ج ۱، ص ۱۰۴.

[۳۱] الرسائل امام خمینی، ج ۲، ص ۲۰۰ - ۱۷۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-
 ۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

